

پژوهشی درباره منصب نسقچی در دوره قاجار

بابک روح الامینی^۱

سیدهاشم آقاجری

داریوش رحمانیان

چکیده:

منصب نسقچی که از زمان صفویه در نظام دیوانی و تشکیلات دربار وجود داشت پس از سقوط صفویه همچنان به حیات خود ادامه داد اما در دوره قاجاریه به عللی چند از فهرست تشکیلات درباری ایران حذف گردید. واکاوی علل و عوامل موثر بر حذف این منصب از فهرست مناصب دوره قاجاریه به عنوان مسئله اصلی این تحقیق مد نظر است. روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش کتابخانه‌ای و اسنادی است و روش تحلیل تبیین کارکردی. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد ایجاد نهادهایی با کارکرد مشابه از یک سو و تحولات داخلی ایران و حاکم شدن نظم و ثبات در کشور از مهمترین علل حذف این منصب از تشکیلات دربار قاجاریه به حساب می‌آید.

کلید واژه‌ها: تحولات نظام دیوانی، تشکیلات درباری، مناصب، مناصب نظامی انتظامی، قاجاریه، نسقچی، مجازات.

۱. مقدمه:

معرفی و بررسی مناصب و مقامات اداری و سیر تحول و تکامل آن‌ها از مهم‌ترین وجوه پژوهش پیرامون تشکیلات اداری ایران به حساب می‌آید. در طول دوره قاجاریه شاهد به وجود آمدن تحولات چشمگیری در نظام اداری و تشکیلات درباری ایران بودیم که در طی آن بسیاری از مناصبی که سابقه طولانی حیات در تشکیلات دیوانی ایران داشتند از میان

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ ایران، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)، babakruoholamini@gmail.com

** استادیار تاریخ، دانشگاه تربیت مدرس، aghajeri@modares.ac.ir

*** استادیار تاریخ، دانشگاه تهران، rahmanian@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۳

رفتند. منصب نسقچی یکی از همین مناصب بود. این منصب به طور واضح و آشکار از دوره صفوی در فهرست مناصب درباری قرار گرفت. نسقچی‌ها در زیر نظر نسقچی‌باشی به فعالیت‌های خود ادامه می‌دادند و عمدتاً وظایف نظامی و انتظامی را برعهده داشتند. حیات نسقچی‌ها به عنوان یکی از مناصب درباری تا اواخر دوره ناصری ادامه یافت و از آن زمان به بعد به تدریج از فهرست مناصب دربار قاجاری حذف گردیدند. علل و عوامل حذف این منصب از فهرست مناصب دوره قاجاریه به عنوان مسئله اصلی این تحقیق مطرح است. بر این اساس سؤال اصلی ما در این تحقیق به این شکل مطرح می‌شود که چرا این منصب از فهرست مناصب درباری حذف شد و چه علل و عواملی در این امر دخیل بودند؟ در پاسخ به این دو پرسش فرضیه اصلی ما به این صورت است که از دست دادن کارکرد منصب به عنوان مهمترین علت حذف این منصب از تشکیلات دربار قاجاری به حساب می‌آید؛ که این امر خود ریشه در تحولات نظام دیوانسالاری قاجاری و ایجاد نهادهایی با کارکرد مشابه از یک سو و تحولات داخلی ایران و کاسته شدن از درگیری‌های نظامی از سوی دیگر داشت. در واقع این دو عامل باعث شد که بخش اعظمی از وظایف نسقچی‌ها دیگر موضوعیت نداشته باشد و به تدریج این منصب از فهرست مناصب دوره قاجاریه حذف گردید. روش به کار گرفته در این تحقیق برای گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اسنادی است و روش تحلیل تبیین کارکردی. این مقاله در سه بخش تدوین یافته در بخش اول به پیشینه منصب، وظایف و کارکرد آن تا پیش از دوره قاجاریه پرداخته می‌شود، در بخش دوم تحولات منصب نسقچی و وظایف آن در دوره قاجار مورد بررسی قرار می‌گیرد و در بخش آخر این پژوهش به نتایج به دست آمده اشاره می‌شود.

پژوهش پیرامون مناصب و تحولات آن در طول ادوار مختلف در ذیل تحولات کلی نظام دیوانسالاری و تشکیلات اداری قابل بررسی است. بر این اساس پژوهش حاضر نیز از منظر ادبیات موضوعی زیر مجموعه این حوزه به حساب می‌آید. با وجود اهمیت پژوهش پیرامون تحولات نظام اداری ایران در دوره قاجاریه تا کنون کتاب مستقلی که به پژوهش در این حوزه پردازد در ایران منتشر نگردیده اما با این وجود تحقیقاتی چند پیرامون موضوع تحولات نظام اداری و تشکیلات درباری ایران در دوره قاجاریه انجام شده است که در این تحقیقات اشاراتی کوتاه به منصب نسقچی گردیده است. به عنوان مثال در کتاب اصطلاحات قشون و دیوان در دوره قاجاریه که نوعی فرهنگ‌نامه تخصصی درباره اصطلاحات دیوانی و نظامی این دوره به حساب می‌آید اطلاعاتی درباره منصب نسقچی به عنوان منصبی نظامی ذکر شده است. در این کتاب به وظایف انتظامی نسقچی همچون تنبیه

و انتقال مجرمان و همچنین برقراری نظم در اردوها اشاره شده است. اشارات کوتاهی نیز به جایگاه نسقچیان در تشکیلات درباری و نوع پوشش آنان گردیده است. معرفی برخی از نسقچی‌های دوره قاجاریه دیگر موضوعی است که در این فرهنگ‌نامه به آن پرداخته شده است (مدرسی و دیگران: ۱۳۸۰، ۵۸۷.۵۸۸). علاوه بر این، در کتاب نظام حکوت در دوران اسلامی که پژوهشی پیرامون تشکیلات اداری، کشوری و لشکری ایران از عصر مغول تا پایان قاجاریه است نیز مطالبی درباره منصب نسقچی و وظایف آنان ذکر شده است. نویسنده نسقچی را در دوره افشاریه جزء مناصب نظامی و در دوره زندیه و قاجاریه جزء تشکیلات دربار دانسته است (ورهام: ۱۳۶۸، ۲۷۵.۳۲۵). وهرام درباره وظایف نسقچی نیز تنها به وظایف انتظامی نسقچی همچون مجازات خاطیان و مجازات فراریان از جبهه‌های جنگی پرداخت است (ورهام: ۱۳۶۸، ۲۳۹). در دیگر کتاب وهرام با نام: نظام سیاسی و سازمانهای اجتماعی ایران در عصر قاجار، نیز مشابه همین اطلاعات درباره منصب نسقچی آورده شده است. علاوه بر کتاب‌ها در پایان‌نامه‌ها و رسالاتی که با موضوع پژوهش پیرامون تحولات کلی نظام دیوانسالاری و تشکیلات اداری ایران به نگارش درآمده نیز اطلاعاتی درباره این منصب آورده شده است. نخست در اثر کلاسیک ابتهاج با عنوان اصطلاحات دیوانی و اداری از آغاز صفویه تا پایان دوره قاجاریه^۱، که پیرامون تشکیلات و مناصب درباری ایران از صفویه تا دوره قاجاریه نوشته شده از نسقچی‌ها به عنوان عوامل اجرای مجازات خاطیان نام برده شده. خسروبیگی نیز در پایان‌نامه خود با موضوع مناصب و مقامات ایران در دوره قاجار^۲؛ اطلاعاتی درباره پیرامون منصب نسقچی، وظایف و نام چند تن از نسقچی‌های آن دوره را بیان نموده است. در پژوهش‌های فوق بیشتر به وظایف انتظامی نسقچی‌ها همچون تنبیه مجرمان و خاطیان، انتقال آنان به زندان، برقراری نظم و امنیت در اردوهای شاهی و نظارت بر کارهای سپاهیان اشاره شده است. علاوه بر این موارد در مقالاتی نیز که پیرامون موضوع تشکیلات اداری و تحولات آن به نگارش در آمده کماکان به نسقچی به عنوان یک منصب نظامی با کارکردی عمدتاً انتظامی اشاره شده است. اما در هیچ‌یک از این آثار به تحولات صورت گرفته در این منصب در دوره قاجاریه و علل و عوامل موثر بر آن اشاره نگردیده است.

۲. پیشینه و تحولات اداری منصب نسقچی تا دوره قاجاریه

نسق در فرهنگ لغت به معانی مختلفی از جمله روش، دستور، قاعده، منظم کردن، به نظم درآوردن است و نسق کردن در تداول به معنی سیاست کردن و بریدن گوش و بینی و یا قطع کردن دیگر اعضای گناهکاران آورده شده است (دهخدا: ۱۳۷۷، ذیل واژه نسق). و نسقچی (Naesaeqci) واژه‌ای مرکب عربی و ترکی است که به عنوان یک منصب وظیفه برقراری نظم و انضباط در اردوهای شاهی را بر عهده داشته است (مدرسی، ۵۷۸) دهخدا: ۱۳۷۷، ذیل واژه نسقچی). علاوه بر شکل غالب نسقچی در متون تاریخی نساقچی و نساقچیان نیز ذکر گردیده است (گلشن مراد، ۱۳۸۶، ۱۴۵.۲۶۲.۷۴۱، ۳۷۴.۳۵۵.۵).

حضور نسقچی به عنوان یک منصب در تشکیلات دیوانی ایران به طور واضح به دوره صفوی باز می‌گردد. نسقچی‌ها در این دوره زیر مجموعه‌ای از منصب نظامی قورچی به حساب می‌آمدند^۳ و ریاست آن‌ها بر عهده نسقچی‌باشی بود. (افشار: ۱۳۸۱، ۶۱۱؛ میرزا رفیعا: ۱۳۴۸؛ ۷۹؛ میرزا رفیعا: ۱۳۸۵، ۱۹۱)

نسقچی‌ها در این دوره می‌بایست به طور همیشگی در رکاب شاهی حاضر می‌بودند (افشار: ۱۳۸۱، ۶۱۱). آن‌ها در سلام‌های رسمی در کنار تخت پادشاه می‌ایستادند و جایگاه آنان در کنار یساولان و جارچیان مشخص شده بود (رستم الحکما: ۱۳۴۸؛ ۱۰۰).

در دوره نادرشاه و همزمان با حذف منصب قورچی‌باشی از فهرست مناصب نظامی ایران (شعبانی: ۱۳۸۸؛ ج ۱، ۶۸۲) نسقچی‌ها دارای هویتی مستقل شدند و به عنوان امرای نظامی در تشکیلات دربار جای گرفتند (مروی: ۱۳۶۸؛ ۵۴۳؛ گلستانه: ۲۵۳۶؛ ۵۴). و از آن زمان به بعد تا زمان حذف این منصب همچنان نسقچی‌ها به عنوان منصبی مستقل شناخته می‌شدند.

نسقچی‌های در اوایل دوره افشاریه دارای لقب بیگ بودند اما در اواخر این دوره مقلب به لقب خان که مرتبه‌ای بالاتر از بیگ بودند گردیده بودند این امر را می‌توان به عنوان ترفیع جایگاه نسقچی‌ها در تشکیلات درباری افشاری به حساب آورد. (شعبانی: ۱۳۸۸، ج ۲، ۶۲۷؛ گلستانه: ۲۵۳۶؛ ۵۴). به طوریکه در اواخر این دوره نسقچی‌باشی دربار در کنار سایر امراء در توطئه به قدرت نشاندن شاهرخ‌نابینا حضوری جدی دارد (گلستانه: ۲۵۳۶؛ ۵۴).

ترتیب قرار گرفتن نسقچی‌ها در دوره افشاری در سلام‌ها نسبت به دوره صفوی تغییر خاصی به خود ندید و کماکان جایگاه آنان در سلام‌ها و در دربار در کنار جارچیان و چنداولان مشخص شده بود (مروی: ۱۳۶۸؛ ۵۴۳، گاتوغی کوس: ۱۳۴۷؛ ۳۹). در دوره زندیه

نیز تغییر اساسی در جایگاه منصب نسقچی به وجود نیامده و نسقچی‌ها کماکان به عنوان افرادی با نقش نظامی در دربار زندیه حضور داشتند.

۳. وظایف نسقچی‌ها از ابتدا تا دوره قاجاریه

نسقچی‌ها در بازه زمانی مورد مطالعه وظایف متعددی را بر عهده داشتند که این وظایف در یک تقسیم‌بندی کلی به دو بخش بزرگ نظامی و انتظامی قابل تقسیم است. البته در سیر تحول این منصب تا دوره قاجاریه شاهد به وجود آمدن تغییراتی در این وظایف و اضافه شدن وظایفی جدید به آن‌ها بودیم که در ادامه به این وظایف پرداخته می‌شود.

۱.۳ وظایف نظامی

گفتیم که نسقچی‌ها در دوره صفوی تابع منصب قورچی بودند، با توجه به ماهیت نظامی این منصب لاجرم وظایف نظامی بخشی از وظایف نسقچی‌ها را تشکیل می‌داد. سازماندهی لشکر در نبرد، ممانعت از فرار سربازان در جریان نبردها، مجازات سربازان فراری از میدین جنگی و انتقال پیام‌های جنگی از فرماندهان اصلی به فرماندهان دیگر در طول نبردها مهمترین وظایف نظامی نسقچی‌ها در دوره صفوی به حساب می‌آمد (کروسینسکی: ۱۳۶۳؛ ۲۷؛ آکسوری: ۱۳۸۸؛ ۸۱؛ فلور: ۱۳۶۵؛ ۱۰۶؛ فلور: ۱۳۸۸؛ ۳۴۷). درباره این پیام‌ها و کیفیت آنها اعم از سری و محرمانه بودن و یا عادی بودن آنها مطلبی عنوان نشده، اما صرف ابلاغ دستورات نظامی به هنگام جنگ می‌تواند نشانگر جایگاه آنان در سلسله مراتب نظامی صفویان باشد.

در دوره نادر شاهد اضافه شدن وظایف جدیدی بر وظایف قبلی نسقچی‌ها بودیم. که بیشک معلول فضای نظامی‌گری حاکم بر آن دوران بود اما در واقع شاکله اصلی وظایف نظامی نسقچی‌ها در ادوار بعدی را همان وظایف نظامی آنان در دوره صفوی شکل می‌داد. در دوره نادری نسقچیان "غلاظ و شداد" مؤظف بودند که از تعدی سپاهیان به مردم شهرهای مفتوحه که از نادر امان نامه داشتند جلوگیری کنند، ممانعت از غارت مردم در حین جنگ، ابلاغ فرمان توقف غارت و نظارت بر حسن انجام آن، وظایف جدید نظامی نسقچی‌ها در دوره نادر به حساب می‌آمد (مروی: ۱۳۶۴؛ ۲۶۸. ۲۷۸. ۶۴۰. ۷۴۷. گلستانه: ۲۵۳۶؛ ۴۹؛ فریزر: ۱۳۶۳؛ ۱۱۴؛ رضازاده شفق: ۱۳۸۶؛ ۲۷۳). وظایف فوق در واقع تکامل

یافته همان وظایفی بود که در دوره صفوی نسقچی‌ها بر عهده داشتند. در دوره زندیه نیز تغییر مهمی در وظایف نظامی نسقچی‌ها به وجود نیامد و کماکان نسقچیان «بهرام صولت» و «مریخ صلابت» در جنگ‌ها و نبردها حضور داشتند و وظایف فوق‌الذکر را به انجام می‌رساندند (غفاری کاشانی: ۱۳۶۹؛ ۱۴۵.۱۷۵.۲۶۲.۶۲۳؛ ساروی: ۱۳۷۱؛ ۴۱. ۱۳۶؛ گلستانه: ۲۵۳۶؛ ۳۲۹).

۲.۳ وظایف انتظامی

جدای از وظایف نظامی، نسقچی‌ها وظایف انتظامی متعددی را نیز بر عهده داشتند. به مانند وظایف نظامی این بخش از وظایف نسقچی‌ها نیز در طول بازه زمانی مورد بررسی دچار تغییر و تحولاتی شد و وظایف جدیدی به این حوزه اضافه گردید. تأمین امنیت مسیرهای محل حرکت حرم سلطنتی و قرق آن، حفظ امنیت جاده‌های مسیر لشکرکشی به هنگام حرکت سپاه و وظایف کشیک مهمترین وظایف انتظامی نسقچی‌ها در دوره صفویه را تشکیل می‌داد. (میرزا رفیعا: ۱۳۴۸؛ ۷۹؛ افشار: ۱۳۸۰، ۶۱۱؛ بیانی: ۱۳۷۸؛ ۹۸). این وظایف در دوره‌های بعدی نیز کماکان تداوم یافت.

در دوره نادری همزمان با تحولاتی که در منصب نسقچی به وجود آمد وظایف آنان نیز دچار تغییراتی نسبت به دوره پیشین شد و شاهد به وجود آمدن وظایف جدیدی برای این منصب بودیم. کماکان وظیفه تأمین امنیت راه‌ها و قورق به هنگام حرکت حرم شاهی و اردوهای نظامی بر عهده نسقچیان گذاشته شده بود (مرووی: ۱۳۶۴؛ ۸۳۴) علاوه بر این وظیفه کشیک و محافظت از اردوهای نادر بر عهده آنان بود. نسقچی‌ها به هنگام سلام‌های رسمی دورتادور مقامات نظامی و سیاسی را احاطه می‌کردند و به نوعی نقش محافظان نادر را ایفا می‌کردند (گاتوغی کوس: ۱۳۴۷؛ ۳۹) علاوه بر محافظت از نادر، نسقچی‌ها وظیفه محافظت از افراد مهم سیاسی را نیز بر عهده داشتند (رضازاده شفق: ۱۳۸۶؛ ۲۷۵). جدای از این موارد در دوره نادر نسقچی‌ها مسئولیت تأمین امنیت اردوهای نادر را بر عهده داشتند. به نسقچی‌ها این قدرت داده شده بود که با کوچکترین بی‌نظمی موجود در اردوها با شدیدترین وجه برخورد نمایند (مرووی: ۱۳۶۴؛ ۲۸۰) این امر باعث شده که امنیتی مثال‌زدنی بر اردوهای نظامی نادر حکم‌رما شود (شعبانی: ۱۳۸۸؛ ج ۱، ۶۴۰).

دستگیری و مجازات مجرمان و متهمان عمدتاً سیاسی وظیفه انتظامی دیگری بود که در دوره نادر به فهرست وظایف انتظامی نسقچی‌ها اضافه شده بود (مرووی: ۱۳۶۴؛ ۱۱۰۸).

به دستور نادر این نسقچی‌ها بودند که اینگونه از مجرمان را در هر جای کشور دستگیر کرده و یا در همان محل و یا پس از انتقال به پایتخت به مجازات می‌رساندند. وظیفه مهم انتظامی دیگری که در دوره نادر به فهرست وظایف نسقچی‌ها اضافه شد، وظیفه بازرسی و نظارت بر کار محصلان مالیاتی و نظامیان بود. در واقع نسقچی‌ها در این دوره نقش بازرسان مخصوص نادر را بازی می‌کردند که بر اعمال محصلان مالی و نظامیان در سرتاسر کشور نظارت می‌کردند به نسقچی‌ها اختیار مجازات خاطیان نیز داده شده بود و آنان مقصرانی که از وظایف خود تخلف کرده بودند را به شدیدترین وجهی به مجازات می‌رساندند (مروی: ۱۳۶۴؛ ۷۹۶؛ رستم الحکما: ۱۳۴۸؛ ۲۰۷؛ آکسوری: ۱۳۸۸؛ ۱۸۴). این نقش بازرسی و نظارت به هنگام شرایط بحرانی مانند شرایط جنگی به شکل نظارت بر چگونگی توزیع ارزاق عمومی نیز نمود می‌یافت (فریزر: ۱۳۶۳؛ ۱۱۷). همچنین به هنگام پایان حمله به هند و در راه بازگشت سربازان به ایران به نسقچی‌ها وظیفه بازرسی سربازان به منظور آوردن مقدار معینی غنیمت جنگی داده شد و نسقچیان اقدام به بازرسی تمامی افراد نظامی از سرباز تا امرای بالامرته را بر عهده گرفتند (مروی: ۱۳۶۴؛ ۷۵۴). واگذاری مسئولیت ضبط خزانه و جواهرات و اسباب جنگی محمدشاه و امرای مقتول وی در جنگ کرنال نیز که به نسقچی‌ها واگذار شده بود (فریزر: ۱۳۶۳؛ ۱۱۴) بی‌ارتباط به نقش بازرسی و نظارت آنان نبود. در واقع این بخش از وظایف از یک سو نشانگر میزان اعتماد نادر به نسقچی‌ها بود و از سوی دیگر باعث بالارفتن جایگاه منصب نسقچی‌باشی در میان مناصب آن دوره به حساب می‌آمد.

در دوره نادر وظیفه استقبال از میهمان خارجی نادر در دشت مغان و نظارت بر چگونگی اسکان آنان نیز به نسقچی‌ها سپرده شده بود (گاتوخی کوس: ۱۳۴۷؛ ۴۴). این امر را نیز می‌توان با توجه به نقش انتظامی نسقچی‌ها در چارچوب وظایف انتظامی آنان به حساب آورد و در واقع این وظیفه را نیز می‌توان به عنوان وظیفه انتظامی جدید نسقچی‌ها در دوره نادری محسوب کرد.

با توجه به موارد مورد اشاره در بالا باید عنوان نمود که منصب نسقچی در دوره نادری اوج تکامل خود را پیدا کرده بود به گونه‌ای که مجموعه‌ای از وظایف انتظامی و نظامی را بر عهده گرفته بود این امر باعث شده بود که از نسقچی‌ها به عنوان مهمترین افراد متکفل وظایف انتظامی در دوره نادری نام برده شود. بسیاری از وظایف انتظامی فوق‌پس از پایان کار نادر از فهرست وظایف نسقچی‌ها حذف گردید و در دوره زندیه کماکان وظایفی

نسقچی‌ها محدود به همان وظایف انتظامی گردید که در دوره صفوی بر عهده آن‌ها گذاشته شده بود. (غفاری کاشانی: ۱۳۶۹؛ ۲۶۲، ۱۶۵، ۷۴۱).

۳.۳ وظیفه مجازات افراد خاطی

در میان وظایف انتظامی نسقچی‌ها اجرای مجازات خاطیانی و مجرمان یکی از مهمترین موارد به حساب می‌آمد. در واقع می‌توان این وظیفه را کلاسیک‌ترین نوع وظایف نسقچی‌ها قلمداد نمود که تا پایان حیات این منصب تداوم داشت. در متون دیوانی صفویه این وظیفه به خوبی مورد اشاره قرار گرفته است " و پادشاهان کسی را که امر به نسق می‌فرمودند به عهده او می‌شد" (افشار: ۱۳۸۰؛ ۶۱۱). با توجه به حضور همیشگی نسقچی‌ها در «رکاب ظفر انتساب» به نظر می‌رسد که آنان به نوعی جلادان خصوصی شاهان صفوی به حساب می‌آمدند. این گفته نظر برخی از محققان را مبنی بر عدم وجود منصب تشکیلاتی جلادان و میرغضبان در دوره صفوی به چالش می‌کشد (فلور: ۱۳۸۱؛ ۶۰). فلسفی نیز از حضور جلادان و میرغضبان پرشمار در خدمت شاه‌عباس صحبت کرده که وظیفه اصلی آنان، همانا مجازات کردن خاطیان به صورت بریدن گوش، دست، دماغ، اعدام و غیره بود (فلسفی: ۱۳۵۳؛ ۱۲۳). به نظر می‌رسد که جلادانی که فلسفی از آنان نام می‌برد همان نسقچی‌هایی باشند که به گفته دستورالملوک وظیفه نسق کردن خاطیانی را بر عهده داشتند. همانطور که در بالا نیز به آن اشاره شده نسقچی‌ها سربازانی که از میادین جنگی فرار می‌کردند را به مجازات می‌رساندند. مجازاتی که در بدترین شرایط منجر به قتل فراریان می‌شد. در واقع نسقچی‌ها در نبردها عمدتاً با تیرزین‌های خود در انتهای سپاه جای می‌گرفتند و سربازان فراری را به مجازات می‌رساندند (کروسینسکی: ۱۳۶۳؛ ۲۷؛ فلور: ۱۳۶۵؛ ۱۰۵). در دوره نادری نیز کماکان، مجازات خاطیانی که از سوی شاه مقصر تشخیص داده می‌شدند بر عهده نسقچیان گذاشته شده بود (مروی: ۱۳۶۴؛ ۱۱۱۸؛ گاتوخی کوس: ۱۳۴۷؛ ۳۹؛ رستم الحکما: ۱۳۴۸؛ ۲۷۲؛ کلانتر: ۱۳۶۲؛ ۲۴). علاوه بر این نسقچیان مأمور مجازات دیوانیان و نظامیان نیز بودند (مروی: ۱۳۶۴؛ ۵۴۴؛ گاتوخی کوس: ۱۳۴۷؛ ۳۹؛ فریزر: ۱۳۶۳؛ ۱۳۳؛ رضازاده شفق: ۱۳۸۶؛ ۲۸۵).

مجازات افراد خاطی از بریدن گوش، چشم، دست، بینی و چوب زدن آغاز می‌شد و در شدیدترین حالت به «جدا کردن سر از قلعه تن» می‌انجامید، و اجساد مقتولان برای عبرت سایرین به نمایش درمی‌آمد (فریزر: ۱۳۶۳؛ ۱۱۶؛ آکسوری: ۱۳۸۸؛ ۳۵؛ مروی: ۱۳۶۴؛

۸۱۵). باید به این نکته اشاره نمود که گاهی خود نسقچیان نیز به دلیل سهل‌انگاری در انجام وظایف مجازات می‌شدند و پیش می‌آمد، که نسقچیان خاطی به قتل می‌رسیدند (مروی: ۱۳۶۴؛ ۶۸۹). این مسئله در دوره زندیه نیز تداوم پیدا کرد و کماکان از نسقچی‌ها به عنوان عاملین اجرای مجازات نام برده می‌شد (رستم‌الحکما: ۱۳۴۸؛ ۴۱۹). به نظر می‌رسد چنین اقداماتی از نسقچی‌ها باعث شده بود که همواره از آنان به عنوان افرادی قسی‌القلب در منابع نام برده شود.

۴.۳ شکل ظاهری نسقچی‌ها

درباره شکل ظاهری نسقچی‌ها در منابع اطلاعاتی پراکنده ذکر گردیده است مهمترین وجه بارز ظاهری نسقچی‌ها در دوره صفوی همانا تبرزین‌هایی بود که همراه همیشگی آنان به حساب می‌آمد. علاوه بر این نسقچی‌ها با عمامه‌های خلیل‌خانی و تاج مندیل‌پیچ که بر روی آن چندین پر قرار داشت، شناخته می‌شدند (افشار: ۱۳۸۰؛ ۶۱۱؛ رستم‌الحکما: ۱۳۴۸؛ ۱۰۰). در دوره نادری نیز کماکان نسقچی‌ها با کلاه‌های پردار شناخته می‌شدند (گاتوخی کوس، و مروی، ج ۲، ۴۹۰) علاوه بر این وجود تبرزین مهمترین وجه بارز ظاهری نسقچی‌ها را در این دوره و دوره زندیه تشکیل می‌داد.

۵.۳ اسامی نسقچی‌ها پیش از قاجاریه

درباره نسقچی‌های دوره صفوی اطلاعات ما بسیار ناچیز است اما این نقیصه در دوره افشاری برطرف می‌شود تعدد وظایف و نقش بازر نسقچی‌ها در دوره افشاری شاید دلیل مهمی بر این امر بوده باشد. در جریان نبرد نادر با عثمانیدر سال ۱۱۴۶ هـ.ق از سید حسن خان خراسانی به عنوان نسقچی‌باشی نادر نام برده شده است گویا بعد از پیروزی بر عثمانی‌ها وی به حکومت اصفهان گماشته شد و از منصب نسقچی‌باشی خلع گردید دو سال بعد در جریان تاج‌گذاری نادر در دشت مغان عبدالحسین بیگ نسقچی‌باشی نادر است و در جریان فتح قندهار در سال ۱۱۵۰ هـ.ق علیرضا بیگ قزوینی ولد ابوالحسن خان نسقچی‌باشی به عنوان نسقچی‌باشی نادر معرفی می‌شود و جالب آنکه به هنگام ورود به دهلی در سال ۱۱۵۱ هـ.ق محمدرضاییگ نسقچی‌باشی جای علیرضاییگ را گرفته است (رستم‌الحکما: ۱۳۴۸؛ ۲۲۶، ۲۲۷؛ گاتوخی کوس: ۱۳۴۷؛ ۱۷؛ مروی: ۱۳۶۴؛ ۳۶۷، ۵۴۴، ۶۹۸)

با بررسی اسامی نسقچیان دوره نادر آنچه بیش از همه ما را متعجب می‌سازد، تغییرات پی‌درپی است که در متولیان این منصب به وقوع پیوسته است. در فاصله زمانی ۱۱۴۶ ه.ق. تا ۱۱۵۱ ه.ق. از پنج نفر به عنوان نسقچی باشی نادر صحبت به میان آمده که در این میان دو نفر دارای روابط پدر و فرزندی بودند (مروی: ۱۳۶۴؛ ۳۶۷، ۵۴۴، ۶۹۸؛ رستم الحکما: ۱۳۴۸؛ ۲۲۷، ۲۲۸؛ گاتوغی کوس: ۱۳۴۷؛ ۱۷). دلیل اصلی این تغییرات برای ما نامعلوم است. شاید این امر به سیاست کلی نادر در تغییر مقامات نظامی و دیوانی مربوط باشد، احتمال کشته شدن آنان در میدان‌های جنگی، دشواری کار و فرسودگی نسقچیان و کناره‌گیری آن‌ها از این منصب و یا گماشتن آن‌ها بر مشاغل دیگر را نیز نمی‌توان از نظر دور داشت.

درباره تعداد نسقچی‌ها دربار نادری نیز منابع اطلاعات متعددی را بیان کرده‌اند. مروی از سه هزار نسقچی نام می‌برد که در سپاه نادر به هنگام حمله به هند حضور داشته‌اند (مروی: ۱۳۶۴؛ ۴۹۰). به نظر می‌رسد که این آمار با گفته دیگر منابع درباره تعداد نسقچی‌های دوره نادری همخوانی داشته باشد. نسقچی‌ها در این دوره علاوه بر دربار نادر در سایر ایالات نیز حضور داشتند (مروی: ۱۳۶۴؛ ۱۰۸).

هرچند آمار دقیقی درباره تعداد نسقچیان دربار کریم‌خان در منابع آن دوره ذکر نشده اما فسایی از ۱۰۰۰ نفر نسقچی که در دربار کریم‌خان حضور داشتند نام برده است. (فسایی: ۱۳۶۷؛ ج ۱، ۶۱۵). حضور این تعداد از نسقچی‌ها در دربار زندی با توجه به کاسته شدن از کشاکش‌های نظامی دوره کریم‌خان به نسبت دوره نادری می‌تواند نشانی از تداوم اهمیت نسقچی‌ها در تشکیلات دربار زندی به حساب آید. از مشهورترین نسقچیان این دوره نیز می‌توان به نقدعلی‌خان زند، و مهرعلی‌خان زند اشاره نمود که در ادوار مختلف عهده‌دار این منصب بوده‌اند. (غفاری کاشانی: ۱۳۶۹؛ ۳۷۴، ۶۱۸؛ ساروی: ۱۳۷۱؛ ۱۳۶)

۴. تحولات اداری منصب نسقچی در دوره قاجاریه

پس از بر تخت نشستن آغامحمدخان و تا سال‌های پایانی حکومت فتحعلی‌شاه همچنان منصب نسقچی در تشکیلات دربار قاجاری به عنوان یکی از مناصب درباری حضور داشت و نسقچی‌باشی‌ها نیز به مانند ادوار پیشین به عنوان امرای نظامی نیز شناخته می‌شدند (محمود میرزا: ۱۳۹۰، ۸۹؛ خاوری شیرازی: ۱۳۸۰؛ ۲۸۵، ۷۰۱) و می‌بایست همچنان حضوری همیشگی در رکاب شاهی می‌داشتند (سازمان اسناد ملی: شماره بازیابی: ۲۹۶۷/۱۲۹۶۲. اعتمادالسلطنه: ۱۳۸۹؛ ۷۶۲، ۹۷۴. میرزا حسین‌خان: ۱۳۸۲؛ ۱۳۶).

ناصرالدین‌شاه: ۱۳۵۴؛ ۷. ناصرالدین‌شاه: ۱۳۸۴؛ ۲۰۰. احتشام‌السلطنه: ۱۳۶۶؛ ۱۰. ۱۲. سرنا: ۱۳۶۲؛ ۱۱۴).

برای پی بردن به جایگاه نسقچیان در تشکیلات دیوانی و اداری ایران در دوره اول قاجار استفاده از گزارش‌هایی که درباره سلام‌های متعدد شاهان و شاهزادگان قاجار برجای مانده می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع قابل استناد به حساب آید و با رجوع به این گزارش‌ها می‌توان به جایگاه نسقچی‌ها در تشکیلات درباری آن دوره پی برد. بر اساس گزارشی که از روز تاج‌گذاری فتحعلی‌شاه برجای مانده ترتیب قرار گرفتن افراد در این روز به این صورت بود «شاهزادگان مهر افسر ایران آرا، امرای مریخ رزم ایران آرا و وزرای صاحب عباد آصف اوصاف، لشکرکشان صاحب عباد هژبر مصاف، غلامان غلمان گوهر، باشیان با شأن و فر، وشاقان جوزا میان مشتری سیما، یساولان قدر نفاذ قضا یاسا، نسقچیان کیوان مکان فلک تمکین، جارچیان بهرام قدر سپهر نگین، جلادان اجل جلادت جان‌ستان بعد از تزیین بر و دوش افتخار به خلاع خورشید شعاع اشعه تار در پایه سریر عرش مقدار اعلی‌الله قدره هر یک علی قدر مقدارهم...» (طرب نائینی: ۱۳۵۳؛ ۸۱). در گزارش دیگری نیز که از همین مراسم برجای مانده ترکیبی مشابه ذکر شده و فقط نکته اختلاف گزارش دوم عدم حضور جلادان در صف افراد حاضر در سلام است (کریم زاده تبریزی: ۱۳۶۷؛ ۷). جالب آنکه چنین چینی‌هایی از افراد باکمی تغییر در سلام شاهزادگان قاجار که به عنوان حکام در سراسر ایران حکومت داشتند نیز ذکر شده است. در سلام عام ۱۲۱۸ هـ.ق. محمودولی میرزا در مشهد ترتیب قرار گرفتن افراد به این صورت بود که «علمای عظام و فقهای کرام و سادات ذوی الاحترام را به محفل خاص طلبیده رخصت جلوس ارزانی و بر و دوش هر یک را ثواب زرنگار و خلاع مهر آثار تزیین بخشیده. امرای والا شأن و خوانین بلند مکان و سرکردگان و غلامان و معارفین لشکریان هر کدام جابه جا و صف در صف ایستاده. یساولان و نسقچیان و جارچیان همگی باکمال ارادت دست بر روی دست نهاده. از سطوت شاهزاده جمشید شأن کسی را یارای آن نبود که از حد خود تجاوز تواند نمود» (نوری: ۱۳۸۴؛ ۱۵۰). ترکیبی مشابه در دیگر سلام‌های رسمی اوایل قاجاری ذکر شده است (لنجانی اصفهانی: ۱۳۹۱؛ ۸۷). بر اساس این گزارش‌ها نسقچی‌ها جزء باشیان دربار به حساب می‌آمدند و جایگاهشان در کنار یساولان و جارچیان تعیین شده بود (طرب نائینی ۱۳۵۳؛ ۱۰۴؛ محمودمیرزا: ۱۳۸۹؛ ۱۱۲) و در واقع تغییر محسوسی در این خصوص نسبت به ادواری گذشته به وجود نیامده بود. در این دوره نیز مانند دوره‌های پیشین علاوه بر پایتخت نسقچی‌ها در خدمت حکام دیگر ایالت نیز حضور داشته‌اند (نوری ۱۳۸۴؛ ۷۸).

خاوری شیرازی ۱۳۸۰: ۸۵۸. طرب نائینی ۱۳۵۳: ۱۰۴، ۵۸۸، سازمان اسناد ملی. شماره بازیابی. ۹۶-۷۸).

هرچند نسقچی‌ها در دوره دو پادشاه اول قاجار به عنوان امرای نظامی شناخته می‌شدند اما از دوره محمدشاه و با توجه به کاسته شدن از منازعات داخلی و خارجی به تدریج وجه نظامی این منصب کارکرد خود را از دست داد و نسقچی‌باشی‌ها بیشتر به عنوان یکی از اعضای دربار شناخته می‌شدند.

در دوره ناصری شاهد به وجود آمدن تغییرات مهمی در تشکیلات دربار قاجاریه بودیم که منجر به گسترش و توسعه تشکیلات درباری گردید و به زودی ادارات جدیدالتأسیس جای بسیاری از مناصب و مقامات قدیمی را در تشکیلات جدید درباری گرفت که همان وظایف مناصب پیشین را به انجام می‌رساندند. منصب نسقچی نیز از این تغییرات برکنار نماند و چنین سرنوشتی را در پیش گرفت.

در میان ادارات جدیدی که در دوره ناصری ایجاد شد به نام اداره نسقخانه مبارکه بر می‌خوریم. این اداره در واقع جاگزین منصب نسقچی گردیده بود و به مانند منصب نسقچی تحت ریاست نسقچی‌باشی اداره می‌شد و رؤسای آن نیز همگی از خاندان دولوی قاجار بودند (اعتمادالسلطنه: ۱۳۶۳؛ ج ۱، ۴۹). اداره جدیدالتأسیس از منظر اداری نیز زیر مجموعه تشکیلات وزارت دربار به حساب می‌آمد (اعتمادالسلطنه: ۱۳۶۳؛ ج ۱، ۳۹۰).

زمان تأسیس این اداره به درستی برای ما معلوم نیست؛ اما به نظر می‌رسد که این اداره همزمان با گسترش تشکیلات دربار اعظم و ایجاد ادارات جدید در اوایل سال ۱۳۰۰ ه.ق. ایجاد شده باشد. به مانند منصب نسقچی‌باشی که در ابتدای دوره ناصری نیز همچنان هویت مستقل خود را حفظ کرده بود (بیانی: ۱۳۷۵، ج ۳؛ ۲۸۴) اداره نسقخانه مبارکه نیز در ابتدای تشکیل هویتی مستقل داشت اما در فهرستی که اعتمادالسلطنه از ادارات ایران در سال ۱۳۰۶ ه.ق. ارائه می‌دهد این اداره با اداره سرایدراخانه و فراشخانه ادغام گردیده بود (اعتمادالسلطنه: ۱۳۶۳؛ ج ۱، ۳۸۸). این امر با مخالفت و اعتراض ناصرالدین شاه همراه شده و وی بارها بر استقلال وظایف نسقچی‌گری اشاره کرده بود (اعتمادالسلطنه: ۱۳۸۹؛ ۵۳۷) اما گویا اعتراض وی راه به جایی نبرده بود و کماکان این سه اداره در تشکیلات جدید دربار با یکدیگر در یک واحد اداری قرار گرفته بودند (اعتمادالسلطنه: ۱۳۶۳؛ ج ۲، ۵۰۰). امری که تا پایان حضور این منصب در دوره ناصری همچنان ادامه داشت.

با بررسی اسامی اعضای اداره نسقخانه در سال ۱۳۰۶ ه.ق. نکات جالبی به دست می‌آید. از فهرست یازده نفره شاغل در این اداره، هفت نفر دارای لقب خان و دو نفر دارای لقب بیگ و دو نفر نیز میرزا بودند. (اعتمادالسلطنه: ۱۳۶۳؛ ۳۸۹.۳۹۰) از میان هفت نفری که لقب خان داشته و به نظر می‌رسد که از بیگ‌ها مرتبه بالاتری داشته‌اند، شش نفر از اعضای ایل قاجار بودند. این امر را می‌توان مقوم این نظر دانست که شاکله اصلی این اداره را قاجارها تشکیل می‌دادند. حضور دو نفر میرزا که به احتمال فراوان مسئولیت امور دفتری را بر عهده داشته‌اند نیز نشانگر وجود مسئولیت‌های اداری در این اداره بوده است هرچند که اشاره مستقیمی درباره این دست از اعمال اداره نسقخانه در دست نیست و برای ما به درستی معلوم نیست که این وظایف اداری شامل چه مواردی بوده است.

از آنجا که نسقچی‌باشی‌ها می‌بایست حضوری همیشگی در دربار می‌داشتند محل زندگی آنان نیز در محدوده ارگ سلطنتی تعیین شده بود (سازمان اسناد ملی: شماره بازیابی؛ ۲۹۶/۱۵۳. احتشام‌السلطنه: ۱۳۶۶؛ ۱۲). اما درباره حضور سایر نسقچی‌ها در محدوده ارگ سلطنتی نمی‌توان به درستی اعلام نظر نمود. می‌دانیم در سال‌های پایانی حکومت ناصری و بر اساس گزارش‌هایی که از سرشماری تهران آن دوره برجای مانده نسقچی‌ها در محلات مختلف شهر پراکنده بودند (سعدوندیان: ۱۳۶۸؛ ۱۹۷.۲۶۴. ۱۹۵.۱۳۳. ۶۱. ۴۴).

۱.۴ وظایف نسقچی‌ها در دوره قاجاریه

روند ایجاد تغییرات علاوه بر وجوه اداری منصب نسقچی در باره وظایف این منصب نیز بروز یافت و وظایف متعدد این منصب در دوره قاجاریه دچار تغییر و تحولاتی گردید که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

۱.۱.۴ وظایف نظامی

حضور نسقچی‌ها به عنوان امرای نظامی و تداوم وظایف نظامی آنان تا پایان حکومت فتحعلی‌شاه همچنان تداوم یافت و هر سه نسقچی‌باشی دربار در این بازه زمانی سابقه حضور به عنوان امرای نظامی در درگیری‌های داخلی و خارجی را داشتند (خاوری شیرازی: ۱۳۸۰؛ ۳۰۶.۷۵۹.۳۰۴.۲۸۵.۲۵۴؛ محمود میرزا: ۱۳۸۹؛ ۱۸۸.۱۸۰؛ اعتضادالسلطنه: ۱۳۷۰؛ ۳۷۸؛ دنبلی: ۱۳۸۳؛ ۲۸۶؛ نوری: ۱۳۸۴؛ ۳۶۱). وظایف نظامی منصب نسقچی نیز در این دوره نسبت به دوره‌های پیشین تفاوت چندانی نکرده بود و کماکان حفظ نظم سپاه،

جلوگیری از فرار سربازان از میدان‌ها جنگی، ممانعت از آسیب رساندن به محصولات مردم توسط نظامیان، جلوگیری از آزار و اذیت سکنه شهرهایی که در مسیر لشکرکشی‌ها قرار داشتند و ممانعت از غارت شهرهای مفتوحه که امان نام داشتند مهمترین وظایف نظامی نسقچی‌ها در دوره اول قاجاریه را تشکیل می‌داد(غفاری کاشانی: ۱۳۶۹؛ ۷۴۱. نوری: ۱۳۸۴؛ ۲۲۳۸. ۷۹.۲۴۰؛ کوهمره‌ای: ۱۳۸۴؛ ۳۷).

هرچند در ابتدای دوره قاجاریه و در طی درگیری‌های داخلی و خارجی نسقچی‌ها و نسقچی‌باشی‌ها حضور همیشگی داشتند اما از دوره محمدشاه به بعد در جریان درگیری‌های نظامی دیگر صحبتی از نسقچی‌ها به عنوان امرای نظامی دیده نمی‌شود. کاسته شدن از میزان درگیری‌های نظامی داخلی و خارجی از یک سو و ایجاد تغییرات در ساختار نیروهای نظامی ایران از سویی دیگر می‌تواند به عنوان مهمترین علل این تغییر به حساب آید. این دو عامل در دوره ناصری نیز همچنان تداوم یافت و این بخش مهم از وظایف نسقچی‌ها به دلیل از دست دادن کارکرد خود از فهرست وظایف نسقچی‌ها حذف گردید. از دست دادن کارکرد نظامی منصب نسقچی تأثیر بسزایی در حذف نهایی این منصب از فهرست مناصب دربار قاجاریه نیز داشت.

۲.۱.۴ وظایف انتظامی

به مانند وظایف نظامی، وظایف انتظامی نسقچی‌ها نیز در دوره قاجاریه دچار تغییر و تحولاتی گردید. وظایف انتظامی نسقچی‌ها در دوره اول قاجار نسبت به ادوار پیشین تغییر چندانی نکرد و در واقع این وظایف تداوم و در برخی از مواقع تکامل یافت. کماکان محافظت از اردوهای شاهی در سفرها، مشخص کردن مسیرهای اردوهای شاهی و نظامی، حفظ امنیت درون اردویی، تأمین امنیت مقامات در مراسم رسمی مختلف، دستگیری مجرمان سیاسی و انتقال آنان به مراکز ایالتی و پایتخت مهمترین بخش از وظایف انتظامی این منصب در دوره اول قاجاریه را به خود اختصاص داده بود(دروویل: ۱۳۴۸؛ ۲۲۲؛ وزیری کرمانی: ۱۳۸۵؛ ۷۴۰؛ جونز: ۱۳۸۶؛ ۸۴؛ طرب نائینی: ۱۳۵۳؛ ۶۳.۱۱۴؛ کمبل: ۱۳۸۴؛ ج ۱. ۵۲۱؛ مفتون دنبلی: ۱۳۸۳؛ ۵۲۲؛ محمود میرزا: ۱۳۹۰؛ ۲۷، دوفرورکورف: ۱۳۷۲، ۲۶۰).

در دوره فتحعلی‌شاه شاهد به وجود آمدن وظیفه انتظامی جدیدی برای نسقچی‌ها بودیم. در این دوره در بیشتر مواقع نسقچی‌باشی‌ها و گاهی نائب نسقچی‌باشی دربار شاه و یا شاهزادگان به همراه نسقچی‌های تحت امرشان وظیفه مهمانداری و استقبال از فرستادگان و

سفرای خارجی را بر عهده داشتند (سپهر: ۱۳۷۷؛ ۴۱۹؛ نوری: ۱۳۸۴؛ ۴۴۶؛ مفتون دنبلی: ۱۳۸۳؛ ۵۲۵؛ اعتضادالسلطنه: ۱۳۷۰؛ ۱۱۷؛ موریه: ۱۳۸۶؛ ۶۵؛ خاوری شیرازی: ۱۳۸۰؛ فیودورکوف: ۱۳۷۲؛ ۲۵۰) البته همانطور که پیش از این نیز اشاره کردیم در دوره نادر نسقچی‌باشی وی مأمور استقبال و نظارت بر اجرای درست تشریفات فرستادگان خارجی در دشت مغان بود به نظر می‌رسد که این وظیفه در دوره فتحعلی‌شاه تداوم و تکامل یافته بوده است از این روی تا سال‌های پایانی حکومت فتحعلی‌شاه شاهد حضور نسقچی‌ها در هیئت‌های استقبال از سفرای خارجی هستیم. علت حضور آنان در هیئت‌های استقبال از سفرای خارجی به درستی معلوم نیست. احتمالات چندی در این باب مطرح است. عدم شکل‌گیری ساختار وزارت خارجه در اوایل دوره قاجاری خود می‌تواند یکی از علل این امر به حساب آید. از سویی دیگر در اوضاع نابسامان و آشفته آن زمان که در جای‌جای کشور خوانین و بزرگان محلی مشکلات و معضلاتی را برای حکومت به وجود می‌آوردند، حضور نسقچی‌ها که افرادی عمدتاً خشن محسوب می‌شدند به‌عنوان محافظان این هیئت‌ها می‌توانست از مشکلات امنیتی ناخواسته جلوگیری کند. این مسئله در فرمانی که از سوی فرمانفرما حسنعلی میرزا حاکم شیراز به محمدخان نسقچی‌باشی که مأمور استقبال از هیئت دیپلماتیکی سرهارد فورجونز شده بود مورد تأکید قرار گرفته بود (موریه: ۱۳۸۶؛ ۶۷). از سویی دیگر فرضیه دیگری که در این باب می‌تواند مطرح باشد، کنترل دیگر اعضای هیئت استقبال توسط نسقچی‌ها هست که این مسئله را نیز نمی‌توان از نظر گاه دور داشت. هردوی این موارد مقوم نقش امنیتی قوی نسقچی‌ها در اوایل دوره قاجاری می‌تواند به حساب آید.

نقش‌های انتظامی نسقچی‌ها در دوره دوم قاجاری دچار تغییرات مهمی شد هرچند در اوایل این دوره وظایف انتظامی همچون قرق کردن مسیر سفرهای شاهی، حفظ امنیت و نظم اردوهای شاهی و انتقال مجرمان سیاسی به پایتخت مهمترین وظایف انتظامی نسقچی‌ها را تشکیل می‌داد (سازمان اسناد ملی: شماره بازیابی. ۲۹۶/۱۶۱۸. ناصرالدین‌شاه قاجار: ۱۳۸۱؛ ۲۰. ناصرالدین‌شاه: ۱۳۸۴؛ ۲۷. فووریه: بی‌تا؛ ۳۷۷. اعتمادالسلطنه: ۱۳۸۹؛ ۵۸۷) اما با ایجاد نهادها و ادارات جدید به خصوص در دوره ناصری بسیاری از وظایف انتظامی نسقچی‌ها به این نهادهای جدیدالتأسیس واگذار گردید. به عنوان مثال همزمان با تکوین ساختار وزارت امور خارجه وظیفه استقبال از هیئت‌های دیپلماتیک به این وزارت خانه محول شد و دیگر نامی از نسقچی‌ها در هیئت‌های استقبال به چشم نمی‌خورد. بخش دیگری از وظایف انتظامی نسقچی‌ها نیز با تشکیل سازمان پلیس به این مجموعه واگذار

گردید. وظیفه تأمین امنیت مقامات و انتقال مجرمان سیاسی که پیش از این بر عهده نسقچی‌ها بود با ایجاد تشکیلات جدید به پلیس‌ها واگذار شده بود. ایجاد نهادها و ادارات جدید مهمترین عامل کاسته شدن از وظایف نسقچی‌ها در دوره دوم قاجاریه به حساب می‌آمد. در واقع پس از تشکیل این ادارات و مشخص شدن حوزه مسئولیت هریک بخشی از وظایفی که پیش از این نسقچی‌ها متکفل اجرای آن بودند به این ادارات واگذار شد. امری که در نهایت باعث حذف منصب نسقچی از فهرست مناصب درباری قاجاریه گردید.

۳.۱.۴ وظیفه مجازات خاطیان

هرچند در دوره قاجاریه شاهد به وجود آمدن تغییرات و حذف برخی از وظایف نسقچی‌ها بودیم اما این امر درباره وظیفه کلاسیک نسقچی‌ها یعنی مجازات افراد خاطی که به فرمان شاه مستوجب مجازات بودند اتفاق نیفتاد و در واقع این بخش از وظایف نسقچی‌ها تا پایان حیات این منصب کماکان بدون به وجود آمدن تغییر مهمی تداوم یافت. در واقع نسقچی‌ها از ابتدای دوره قاجاریه به عنوان عاملان اجرای مجازات در دربار شاهان قاجاری حضوری مستمر و مداوم داشتند و افراد خاطی را به مجازات می‌رساندند (موریه: ۱۳۸۶؛ ۲۴۰).

می‌دانیم که نسقچی‌ها می‌بایست در سفرهای شاهی حضور همیشگی می‌داشتند. ناصرالدین شاه هم در سندی بدون تاریخ بر حضور علاءالدوله نسقچی باشی در سفر تأکید می‌نماید و عنوان می‌کند که «البته برای شما در اردوها همیشه کارهایی هست» (سازمان اسناد ملی: شماره بازیابی. ۲۹۶/۱۲۹۶۲). هرچند وی توضیحی درباره این کارها بیان نکرده است اما به نظر می‌رسد آنچه وی از اشاره به آن سرباز زده همان وظیفه اصلی نسقچی‌ها یعنی مجازات خاطیان بوده است. در این دوره کماکان وظیفه مجازات کردن خاطیان درون اردوهای شاهی بر عهده نسقچیان بود علاوه بر مجازات خاطیان در سفرها نسقچی‌ها این وظیفه را در دربار نیز بر عهده داشتند. اعدام، گوش بریدن، مهار کردن، سربریدن، چشم درآوردن... از جمله مهم‌ترین مجازات‌هایی بود که توسط نسقچی‌ها انجام می‌شد. (سازمان اسناد ملی: شماره بازیابی. ۲۹۶/۱۶۱۸. سازمان اسناد ملی: شماره بازیابی. ۲۹۶/۱۶۷۰؛ سرنا: ۱۳۶۲؛ ۱۱۴؛ سازمان اسناد ملی: شماره بازیابی. ۲۹۶/۱۵۵۷).

۲.۴ شکل ظاهری

روند تغییر در منصب نسقچی به شکل ظاهری آن‌ها نیز تسری یافت هرچند در ابتدای دوره قاجاریه هنوز تبرزین به عنوان مهمترین ویژگی بارز ظاهری نسقچی‌ها به حساب می‌آمد (خاوری شیرازی: ۱۳۸۰، ۷۵۷) اما این شکل ظاهری نسقچی‌ها در دوره دوم قاجاریه تغییر محسوسی به خود دید در این دوره نسقچی‌ها به مانند دیگر افراد دربار لباس اداری مرسوم آن دوره را بر تن می‌کردند این مسئله را می‌توان به خوبی از روی تصاویر برجای مانده از نسقچی‌های دوره ناصری مشاهده نمود

۴.۳ اسامی نسقچی‌های دوره قاجاری

در منابع صدر قاجار از فرج‌الله‌خان آداخلوی‌افشار کنگاوری به عنوان نسقچی‌باشی آغامحمدخان پیش از بر تخت نشستن و در جریان کشاکش‌های او با مدعیان سلطنت در ایران نام برده شده است. و بعد از قتل خان‌قاجار، وی به‌عنوان نسقچی‌باشی دربار فتحعلی‌شاه منصوب شد و تا قبل از آغاز مرحله دوم جنگ‌های ایران و روس همچنان این منصب را بر عهده داشت (وزیری کرمانی: ۱۳۸۵؛ ۷۴؛ احمدی کرمانی: ۱۳۸۶؛ ۶۹؛ خاوری شیرازی: ۱۳۸۰؛ ۶۱۶-۲۵۴؛ وزیری: ۱۳۷۰؛ ۷۲۹). فرج‌الله‌خان نسقچی‌باشی در بیشتر درگیری‌های نظامی داخلی و خارجی دوره فتحعلی‌شاهی به عنوان یکی از امرای نظامی حضوری جدی داشت (خاوری شیرازی: ۱۳۸۰؛ ۳۸۸-۳۰۶-۳۰۴-۲۸۵-۲۵۴؛ محمود میرزا: ۱۳۸۹؛ ۱۹۷-۱۹۴-۱۸۸-۱۸۰؛ اعتضادالسلطنه: ۱۳۷۰؛ ۳۳۶-۳۳۴-۱۱۲؛ دنبلی: ۱۳۸۳؛ ۲۸۶؛ نوری: ۱۳۸۴؛ ۳۶۱). میزان اعتبار و قدرت وی به قدری بود که در جریان شورش امرای خراسان بر ضد شاهزاده محمدولی میرزا، فتحعلی‌شاه او را برای سروسامان دادن به امور خراسان و همچنین دلجویی از خوانین آن خطه به آنجا فرستاد (محمود میرزا: ۱۳۹۰؛ ۲۰۲، اعتضادالسلطنه: ۱۳۷۰؛ ۱۳۳. خاوری شیرازی: ۱۳۸۰؛ ۳۹۴). علاوه بر این موارد فرج‌الله‌خان تربیت شاهزاده عبدالله‌میرزا فرزند یازدهم فتحعلی‌شاه را نیز بر عهده داشت (اعتضادالسلطنه: ۳۷۰، ۲۰۰). مجموع این موارد فرج‌الله‌خان را به‌عنوان مهم‌ترین نسقچی‌باشی دوره اول قاجاری معرفی می‌کند. می‌دانیم که علاوه بر فرج‌الله‌خان علی‌خان آداخلوی‌افشار نیز به عنوان نسقچی‌باشی شاهزاده عباس میرزا و محمدمیرزا به کار اشتغال داشته است. حضور این دو را شاید به توان مقوم این نظر دانست که منصب نسقچی‌باشی در دوره اول قاجار در دربار تهران و تبریز در اختیار قبیله افشار بوده است. می‌دانیم که به

جز از این دو محراب خان افشار نیز به عنوان نایب نسقچی باشی در همین زمان به فعالیت مشغول بوده است (خاوری شیرازی: ۱۳۸۰؛ ۸۵۸؛ اعتضادالسلطنه: ۱۳۷۰؛ ۴۱۹، ۱۱۷). فراموش نکنیم در جریان وقایع منتج به دستگیری فرزندان عباس میرزا به دستور قائم مقام، مادر شاهزادگان زندانی در نامه‌ای به قائم مقام از کنترل شدید حرم عباس میرزا توسط افراد ایل افشار شکایت کرده است «هرگاه دربارهٔ نور چشمان قرار می‌بگیرد این جانب چه تقصیر دارد که اهل افشار نگذارند پا به خارج بگذارند و به تبریز بیاید با نورچشمی ولیعهد دو سه فقره گفتگو نماید و زیاده از نور چشمان این جانب را به حبس اندازند. معلوم است حبس ما بدون اذن شما نیست والا اهل افشار این جرئت را ندارند که اهل و عیال نایب السلطنه را به این مرتبه بی حرمتی کنند...» (صفایی: ۱۳۵۲؛ ۲۵). این نشانه را نیز می‌توان به عنوان تکمیل نظرمات در اختصاص منصب نسقچی باشی دربار تهران و تبریز، به عنوان مهم‌ترین مراکز قدرت قاجاری، به افشارها دانست.

اما با مرگ فرج‌الله خان هرچند که هنوز علی خان افشار در تبریز نسقچی باشی بود، اما نسقچی باشی دربار تهران به یکی از وابستگان نسبی فتحعلی شاه و ایل دولو قاجار، رسید (طرب نائینی: ۱۳۵۳؛ ۱۰۳). محمدحسن خان قاجار دولو فرزند محمدخان قاجار دولو، نسقچی باشی بعدی دربار فتحعلی شاهی بود (سپهر: ۱۳۷۷؛ ۴۳۶). پیش از محمدحسن خان، الله قلی خان قاجار، از قبیله دولو چندی به عنوان نایب نسقچی فعالیت داشت (خاوری شیرازی: ۱۳۸۰؛ ۷۰۱، ۱۰۰۴). انتخاب محمدحسن خان به عنوان نسقچی باشی دربار نقطه عطفی در این منصب به حساب می‌آید. چه بعد از وی این منصب در میان فرزندان او موروثی شد و تا پایان حیات این منصب در تشکیلات دربار قاجاریه افرادی از خاندان وی ریاست این منصب را بر عهده داشتند. جایگزینی محمدحسن خان به جای فرج‌الله خان را می‌توان در امتداد سیاست قاجارها مبنی بر تخصیص مناصب درباری به نزدیکان خاندان قاجار و وابستگان سببی و نسبی آنان دانست بود. امری که دربارهٔ سایر مناصب دوره قاجاری نیز کم و بیش عمومیت یافت. سیاستی که بر اساس آن اکثر مناصب حکومتی در درجه اول به اعضای ایل قاجار و در مرحله بعدی به وابستگان سببی و نسبی این خاندان تعلق می‌گرفت. منصب نسقچی باشی نیز بعد از فرج‌الله خان افشار به همین سرنوشت دچار شد.

محمدحسن خان دولو تا سال ۱۲۴۶ ه.ق. که بر اثر وبا فوت نمود همچنان این منصب را در اختیار داشت (خاوری شیرازی: ۱۳۸۰؛ ۷۵۹). بعد از فوت وی، محمدامین خان پسرش به عنوان نسقچی باشی دربار فتحعلی شاهی انتخاب شد (اعتضادالسلطنه: ۱۳۶۷؛ ۱۶۰۰).

محمدامین خان نیز مانند پدر وابستگی نسبی با خاندان قاجار برقرار کرده بود و تا پایان حیاتش به‌عنوان نسقچی‌باشی فعالیت داشت (عضدالدوله: ۲۵۳۵؛ ۴۹، ۵۴). از زندگی سیاسی وی پیش از انتصاب به این منصب اطلاع چندانی در منابع ذکر نشده است. اما می‌دانیم که او در دوره دوم جنگ‌های ایران و روس به‌عنوان یکی از امرای سپاه حضور داشت و مسئولیت محافظت از قلعه عباس‌آباد به او واگذار شده بود. (اعتضادالسلطنه: ۱۳۷۰، ۳۷۸). محمدامین خان که در سال‌های پایانی حکومت فتحعلی‌شاه عهده‌دار منصب نسقچی‌باشی دربار وی بود پس از مرگ شاه نیز همچنان عهده‌دار این منصب در دربار محمدشاه بود (پیشین، ۵۱۶). پس از مرگ وی، محمدرحیم‌خان فرزند دیگر محمدخان دولو به‌عنوان نسقچی‌باشی دربار ناصری انتخاب شد (بامداد: ۱۳۸۴؛ ۸۶۳). وی نیز به‌مانند دو نسقچی‌باشی قبلی وابستگی نسبی با خاندان قاجار داشت (احتشام‌السلطنه: ۱۳۶۶؛ ۱۰). محمدرحیم‌خان را باید قدرتمندترین نسقچی‌باشی دوره دوم قاجاری دانست، که به مدت ۳۴ سال (۱۲۶۴ه.ق. تا ۱۲۹۸ه.ق.) عهده‌دار این منصب بود و به‌نوعی این منصب در دوره ناصری با او شناخته می‌شد. تندخویی و شدت عمل دو ویژگی بارز شخصیتی نسقچی‌ها در وجود محمدرحیم‌خان نیز دیده می‌شد (مستوفی: ۱۳۸۶؛ ۱۳۳). محمدرحیم‌خان در سال ۱۲۷۶ه.ق. ملقب به لقب علاءالدوله گردید که این لقب نیز در خاندان وی موروثی شد (خورموجی: ۱۳۴۴، ۲۷۸؛ سلیمانی: ۱۳۷۹؛ ۱۱۰، ۱۱۳).

مهم‌ترین ویژگی محمدرحیم‌خان علاءالدوله که او را از دیگر نسقچیان دوره قاجاری متمایز کرده بود تصدی مقامات، مناصب و حکومت شهرهای مختلف در طول حیاتش بود. از این منظر وی در میان نسقچی‌باشی‌های دوره قاجار از موقعیتی ممتاز برخوردار بود. علاوه بر منصب نسقچی‌باشی وی تصدی مناصب حاجب‌الدوله‌گی، سرکشیک‌باشی‌گری، ریاست فراشخانه و نسقخانه مبارکه، ایشیک‌آقاسی‌گری، وزارت جنگ و وزارت دربار را نیز بر عهده داشت (فرمانفرمایان: ۱۳۷۰؛ ۴۲، خورموجی: ۱۳۴۴؛ ۱۴۱، مستوفی: ۱۳۸۶؛ ۱۲۶، ۴۱۰. نظام‌السلطنه مافی: ۱۳۸۶؛ ۶۳. اعتمادالسلطنه: ۱۳۶۷، ج ۳، ۱۹۵۳، فروکاو: ۱۳۸۴، ۲۶۴). همچنین علاءالدوله تا پایان حیات خود حکومت شهرهای نهاوند، قزوین، گیلان، زنجان، همدان و خوی را بر عهده داشت (خورموجی: ۱۳۴۴؛ ۱۴۱، ناصرالدین‌شاه: ۱۳۶۷؛ ۷. اعتمادالسلطنه: ۱۳۶۳؛ ج ۱، ۵۵، ۵۷، ۵۹. سلیمانی: ۱۳۷۹؛ ۱۱۰). حضور وی در تشیکلات مجلس مصلحت‌خانه، دارالشورای کبریا، وزارت سته و هیئت وزرای مختار (فرمانفرمایان: ۱۳۷۰؛ ۴۲، مستوفی: ۱۳۸۶؛ ۱۱۱، ۱۳۲. اعتمادالسلطنه: ۱۳۵۷؛ ۲۸۷) علاءالدوله را به یکی از رجال بانفوذ ایران دوره ناصری تبدیل کرده بود. شاید به همین دلیل

بود که وی جزء معدود کسانی بود که توانست در سفر اول ناصرالدین شاه به فرنگ از فیلتر انتخاب میرزا حسین خان سپه سالار بگذرد و جزء ملازمان رکاب باشد (مستوفی: ۱۳۸۶؛ ۱۲۶). به روشنی برای ما معلوم نیست که حق دسترسی ویژه‌ای که علاءالدوله پس از ایجاد صدارت سه‌نفره به شاه داشت به دلیل شغل او به‌عنوان وزیر دربار بوده و یا به دلیل شغل نسقچی‌باشی‌گری وی، چه می‌دانیم که پس از تشکیل صدارت سه‌نفر فقط عضدالملک رئیس ایل قاجار، امین‌السلطان مسؤل آبدارخانه و فرد مورد اعتماد ناصرالدین شاه و علاءالدوله حق دسترسی مستقیم به شاه را داشتند و بقیه مقامات می‌بایست کارهای خود را به یکی از سه وزیر که کارهای کشور مابین آن‌ها تقسیم شده بود ارجاع می‌دادند (مستوفی: ۱۳۸۶؛ ۱۴۷). آخرین مأموریت علاءالدوله پیشکاری شاهزاده مظفرالدین میرزا بود که در سال ۱۲۹۸ ه‍.ق. برای پایان دادن به ناآرامی‌های آذربایجان از سوی ناصرالدین شاه به آن دیار فرستاده شد (سلیمانی: ۱۳۷۹؛ ۱۱۰). در آنجا علاءالدوله توانست با توسل به شدت عمل اوضاع آشفته ایالات را سروسامان دهد و در همان‌جا نیز بعد از چندی به‌طور ناگهانی فوت کرد. پس از مرگ وی به مانند دیگر افراد قدرتمند دوره ناصری شایعه دخالت شاه در مرگش بر سر زبان‌ها افتاد (حاج سیاح: ۱۳۵۹؛ ۲۶۷). پس از مرگ محمدرحیم خان بنا به سنت مرسوم مناصبش مابین فرزنداناش تقسیم گردید و محمدرحیم خان پسر بزرگش که ده سال پیش از این و در سن یازده‌سالگی از سوی پدرش منصب نسقچی‌باشی دربار را به دست آورده بود به‌عنوان نسقچی‌باشی جدید دربار ناصری انتخاب شد (بامداد: ۱۳۸۴؛ ۶۰۲). اعتمادالسلطنه: ۱۳۶۷؛ ۱۹۳۴. اعتمادالسلطنه: ۱۳۶۳؛ ۵۰۰. سلیمانی: ۱۳۷۹، ۵۷. وی که لقب حاجب‌الدوله را از پدرش به ارث برده بود. کماکان علاوه بر نسقخانه ریاست سرایدارخانه و فراشخانه را نیز بر عهده داشت (اعتمادالسلطنه: ۱۳۶۳؛ ۲۶۹. عین‌السلطنه: ۱۳۷۴؛ ۱۵۲). بعد از فوت ناگهانی^۱ او در سال ۱۳۰۵ ه‍.ق. منصب نسقچی‌باشی‌گری به فرزندش محمدرحیم خان که هم نام جدش بود رسید (اعتمادالسلطنه: ۱۳۸۹؛ ۹۳۷). محمدرحیم خان که حاصل ازدواج پدرش با خواهر عزیزالسلطان بود در دربار ناصری از قدرت بالایی برخوردار بود (پیشین: ۹۷۳) وی تا پایان عهد ناصری کماکان این منصب را بر عهده داشت (اعتمادالسلطنه: ۱۳۶۳؛ ج ۱، ۴۹). محمدرحیم خان را می‌توان آخرین نسقچی‌باشی دربار قاجاری به حساب آورد چه می‌دانیم پس از مرگ ناصرالدین شاه در فهرست مناصب و مقامات درباری دیگر نامی از نسقچی‌باشی و اداره نسقخانه مبارکه به چشم نمی‌خورد. (ملک‌المورخین: ۱۳۸۶؛ ۶).

به نظر می‌رسد که در این زمان این منصب به تدریج از فهرست مناصب درباری به دلیل از دست دادن کارکرد خود حذف گردیده‌است. هرچند این منصب از تشکیلات دربار مظفری حذف گردیده بود اما به نظر می‌رسد که هنوز هم به شکل تشریفاتی به حیات خود تا سالهای پایانی حکومت قاجاری ادامه می‌داده‌است. این امر را می‌توان از سندی به تاریخ ۱۳۳۲ هـ.ق. استنباط نمود. موضوع سند فوق‌الذکر تخصیص چهل تومان به عنوان نصف مواجب سالانه یحیی بیگ نایب نسقچی باشی در حق بازماندگان وی است. (سازمان اسناد ملی: شماره بازیابی؛ ۲۴۰/۳۰۰۰۵) اعتمادالسلطنه از یحیی بیگ نایب نسقچی باشی به‌عنوان یکی از اعضای یازده‌گانه نسقخانه مبارکه در دوره ناصری نام برده‌است (اعتمادالسلطنه: ۱۳۶۳؛ ۴۹) بعید به نظر نمی‌رسد که یحیی بیگ نایب نسقچی باشی که در این سند ذکر شده همان یحیی بیگ نایب نسقچی باشی دوره ناصری است که در زمان احمدشاه فوت نموده‌است. این احتمال وجود دارد که تا آن زمان با وجود از بین رفتن این منصب کماکان مواجب آن در فهرست مالی آن دوره برقرار بوده‌است و جالب آنکه پس از مرگ وی نیز به موجب این سند تا ده سال دیگر نیز در حق بازماندگان یحیی بیگ می‌بایست برقرار باشد، احتمالی که به‌واقع نزدیک می‌نماید.

۵. نتیجه‌گیری

حضور آشکارای منصب نسقچی در تشکیلات اداری ایران به دوره صفوی باز می‌گردد. در آن دوره نسقچی‌ها به‌عنوان زیرمجموعه منصب نظامی قورچی به حساب می‌آمدند و وظایف نظامی و انتظامی عمده وظایف نسقچی‌ها را تشکیل می‌داد. این وظایف در ادوار بعدی تکامل و تداوم پیدا نمود. نسقچی‌ها در دوره افشاری و به‌خصوص در دوره نادر با توجه به ماهیت نظامی حکومت وی حضور پررنگ‌تری در دربار و در عرصه جامعه یافتند. گستردگی حوزه وظایف آنان در این دوره به‌خصوص وظایف نظامی و انتظامی آنان باعث شده بود که از نسقچی‌ها به‌عنوان افرادی دژخیم در متون و منابع یاد شود. در دوره اول قاجار کماکان نسقچی‌ها همان وظایف دوره‌های پیشین را بر عهده داشتند علاوه بر این به علت عدم تشکیل ساختار اداری منسجم در دوره اول قاجار وظایفی جدید مانند استقبال از سفرا و فرستادگان خارجی را نیز بر عهده گرفتند. اما از دوره ناصری همزمان با به وجود آمدن تغییرات در ساختار اداری کشور از یک سو و حاکم شدن نظم و ثبات در کشور از سوی دیگر شاهد به وجود آمدن تغییرات مهمی در وظایف نسقچی‌ها بودیم. به‌طوریکه در

دوره ناصری با پایان یافتن جنگ‌ها و کشمکش‌های داخلی دیگر وظایف نظامی نسقچی‌ها ضرورتی نداشت و به این ترتیب بخش مهمی از وظایف نسقچی‌ها که از دوره صفوی تا اوایل قرن ۱۳ ادامه داشت از بین رفت. وظایف انتظامی نسقچی‌ها نیز با ایجاد ادارات جدید در دوره ناصری به آن‌ها تعلق گرفت و وظایف نسقچی‌ها به اجرای مجازات‌های بدنی تقلیل پیدا نمود. که این وظیفه نیز همزمان با ایجاد نهاد پلیس از یک سو و تحول کلی مجازات‌ها از سویی دیگر به تدریج حذف گردید. در نتیجه منصب نسقچی در پایان دوره ناصری و اوایل دوره مظفری با از دست دادن کارکرد خود به حاشیه رانده شده و از تشکیلات دیوانی قاجاری حذف گردید.

پی‌نوشت‌ها

- ۱ مشخصات کامل این اثر به شکل زیر است: ابتهاج محمود؛ اصطلاحات دیوانی و اداری از آغاز صفویه تا پایان دوره قاجاریه، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۵۴
- ۲ مشخصات کامل این اثر به شکل زیر است: خسرویگی هوشنگ؛ مناصب و مقامات اداری ایران در اوایل دوره قاجار ۱۲۱۰ تا ۱۲۶۴ هجری قمری، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۷۴
- ۳ برای اطلاع درباره منصب قورچی و وظایف آن بنگرید به (رفیعا، ۱۳۸۵، صص ۱۸۹-۱۹۱)
- ۴ بازن از ۲۵۰ نفر نسقچی در اردوی نادر نام می‌برد و ابراهیم گاتوغی کوس از ۳۰۰ نفر در روز تاج‌گذاری نادر نام برده است. بنگرید به (شعبانی: ۸۸، ج ۲، ۶۴۰؛ گاتوغی کوس: ۱۳۴۷، ۴۹)
- ۵ در روز تشیع جنازه آغامحمدخان نیز نسقچیان در کنار یساولان و جارچیان در پیش روی تخت روان دیده می‌شدند (صاحبقرانی، ۱۱۲)
- ۶ دلیل فوت ناگهانی او گیر کردن ته دیگ برنج در گلویش بود اعتمادالسلطنه: ۱۳۸۹؛ ۹۳۷)

کتاب‌نامه

- احتشام السلطنه، محمود. ۱۳۶۶. خاطرات احتشام السلطنه. به کوشش سید محمد مهدی موسوی. چاپ اول. تهران: زوار
- احمدی کرمانی، یحیی. ۱۳۸۶. فرماندهان کرمان تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی. چاپ پنجم. تهران: علم
- اعتضادالسلطنه، علی قلی میرزا. ۱۳۷۰. اکسیر التواریخ. تاریخ قاجاریه از آغاز تا ۱۲۵۹ هجری قمری. به اهتمام جمشید کیان فر. تهران: ویسمن

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن. ۱۳۶۳. الأماثر و الآثار چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن. ۱۳۶۷. تاریخ منتظم ناصری. تصحیح محمد اسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷. جلد ۳.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن. ۱۳۵۷. صدر التواریخ یا تاریخ صدور قاجار. شرح حال یازده نفر از صدراعظم‌های پادشاهان قاجار. تصحیح محمد مشیری. تهران: روزبهان.
- افشار، ایرج. ۱۳۸۰. دفتر تاریخ. ج ۲. تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- آکسوری، مایکل. ۱۳۸۸. شمشیر ایران. نادرشاه از تفنگچی گری تا مسند پادشاهی. ترجمه محمدحسین آریا. تهران: اساطیر.
- امین الدوله، علی. ۱۳۷۰. خاطرات سیاسی امین الدوله. به کوشش حافظ فرمانفرمایان. زیر نظر ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- بامداد، مهدی. ۱۳۸۴. شرح رجال ایران. قرن‌های ۱۲، ۱۳، ۱۴. تلخیص ذبیح‌الله علی زاده اشکوری. تهران: فردوس.
- بیانی، خان بابا. ۱۳۷۵. پنجاه سال تاریخ ایران در دوره ناصری. تهران: علم.
- بیانی، خان بابا. ۱۳۷۸. تاریخ نظامی ایران دوره صفویه. تهران: زرین قلم.
- جونز، سرهارد فورد. ۱۳۸۶. روزنامه سفر خاطرات هیئت اعزامی انگلستان به ایران. [مترجم] مانی صالحی علامه. تهران: ثالث.
- خاوری شیرازی، فضل‌الله. ۱۳۸۰. تاریخ ذوالقرنین. تصحیح و تحقیق ناصر افشار فر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات. کتابخانه موزه و مرکز اسناد. مجلس شورای اسلامی.
- خورموجی، محمدجعفر. ۱۳۴۴. حقایق الاخبار ناصری. محمدجعفر خورموجی. تصحیح حسین خدیو جم. تهران: زوار.
- دروویل، گاسپار. ۱۳۴۸. سفرنامه دروویل. [مترجم] جواد محیی. چاپ دوم. تهران: گوتنبرگ، ۱۳۴۸.
- دیوان‌بیگی، حسین. ۱۳۸۲. خاطرات دیوان‌بیگی از سال‌های ۱۲۷۵-۱۳۱۷. به کوشش ایرج افشار. محمد رسول دریا گشت. تهران: اساطیر.
- رستم‌الحکما، محمد هاشم. ۱۳۴۸. رستم‌التواریخ تصحیح محمد مشیری. تهران: بی‌جا.
- رضازاده شفق، صادق. ۱۳۸۶. نادرشاه از دیدگاه مورخین و شرق‌شناسان. تهران: ثالث.
- ساروی، محمدتقی. ۱۳۷۱. تاریخ محمدی. احسن‌التواریخ. به اهتمام غلامرضا مجد طباطبائی. تهران: امیرکبیر.
- سپهر، محمدتقی. ۱۳۷۷. ناسخ‌التواریخ به کوشش جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.
- سعدوندیان، سیروس و اتحادیه، منصوره. ۱۳۶۸. آمار دارالخلافه تهران. سیروس سعدوندیان و منصوره اتحادیه. تهران: نشر تاریخ ایران.
- سلیمانی، کریم. ۱۳۷۹. القاب رجال دوره قاجاریه. تهران: نی.

- شعبانی، رضا. ۱۳۸۸. تاریخ ایران در عهد افشاریه. ج ۲. تهران: سخن، ۱۳۸۸.
- صفایی، ابراهیم. ۱۳۵۲. یک صد سند تاریخی. تهران: شرق.
- طرب نائینی، محمدجعفر بن محمدحسین. ۱۳۵۳. جامع جعفری. تاریخ ایران در دوره نادری و عصر فتحعلی شاهی. به کوشش ایرج افشار. تهران: انجم آثار ملی.
- عبدالدوله، احمد میرزا. ۲۵۳۵. تاریخ عضدی. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: بابک.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور. ۱۳۷۴. روزنامه خاطرات عین السلطنه. ج ۱. تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- غفاری کاشانی، ابوالحسن. ۱۳۶۹. گلشن مراد.. به اهتمام غلامرضا مجد طباطبائی. تهران: زرین.
- فریزره جیمز بیلی. ۱۳۶۳. تاریخ نادرشاه افشار. ترجمه ابوالقاسم خان ناصرالملک. تهران: پاسارگاد.
- فسایی، میرزا حسن. ۱۳۶۷. فارس نامه ناصری. ج ۱. تصحیح منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- فلسفی، نصرالله. ۱۳۵۳. زندگانی شاه عباس اول. ج ۲. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
- فلور، ویلم. ۱۳۶۵. برافتادن صفویان. برآمدن محمود افغان: (روایت شاهدان هلندی). [مترجم] ابوالقاسم سری. تهران: توس
- فلور، ویلم. ۱۳۸۸. دیوان و قشون در عصر صفوی. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگاه.
- فلور، ویلم. ۱۳۸۱. نظام قضایی در عصر صفوی. ترجمه حسن زندیه. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- فورکاوار، نوبویوشی. ۱۳۸۴. سفرنامه فوروکاوا. ترجمه هاشم رجب زاده و نه اورا کینجی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فووریه، ژوانس. بی تا. سه سال در دربار ایران. "خاطرات دکتر فووریه" به کوشش همایون شهیدی. ترجمه عباس اقبال آشتیانی. تهران: دنیای کتاب.
- فیودورکورف، بارون. ۱۳۷۲. سفرنامه بارون فیودورکورف. [مترجم] اسکندر ذبیحان. تهران: فکرروز، ۱۳۷۲.
- کروسینسکی، یوداتادیوز. ۱۳۶۳. سفرنامه کروسینسکی یادداشت های کشیش لهستانی عصر صفوی با مقدمه مریم میراحمدی. [مترجم] عبدالرزاق مفتون دنبلی. تهران: توس.
- کریم زاده تبریزی، محمدعلی. ۱۳۶۷. اسناد و فرامین منتشر نشده قاجاری از دوران فتحعلی شاه قاجار. لندن: مؤلف.
- کلاتر، میرزا محمد. ۱۳۶۲. روزنامه میرزا محمد کلاتر فارس. شامل وقایع قسمت های جنوبی ایران از سال ۱۱۴۲ تا ۱۱۹۹ هجری قمری؛ تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی. تهران: طهوری.
- کمبل، جان. ۱۳۸۴. دو سال آخر. یادداشت های روزنامه سر جان کمبل نماینده انگلیس در دربار ایران سال های ۱۳۸۴-۱۳۸۳. تحقیق و تعلیقات و توضیحات ابراهیم تیموری. تهران: دانشگاه تهران.
- گاتوغی کوس، آبراهم. ۱۳۴۷. منتخبی از یادداشت های ابراهیم گاتوغی کوس خلیفه اعظم ارامنه. ترجمه عبدالحسین سپنتا و هانانیا استفان. چاپ دوم. تهران: بی جا.
- گلستانه، ابوالحسن. ۱۳۴۴. مجمل التواریخ شامل وقایع و رویدادهای سی و پنج سال بعد از نادرشاه و ذیل زین العابدین کوهمره ملقب به امیر در تاریخ زندیه و حواشی و اعلام و فهرست تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. تهران: ابن سینا.

- لنجانی اصفهانی، محمدحسن بن محمدرحیم. ۱۳۹۱. جنه الاخبار. بخش تاریخ زندیه و قاجاریه (۱۲۶۰-۱۲۶۸) به انضمام نخبه الاخبار. تصحیح میر هاشم محدث. تهران: مجلس.
- مالکوم، سر جان. ۱۳۶۲. تاریخ ایران. [تدوین] مرتضی سیفی فمی تفرشی و ابراهیم زند پور. [مترجم] میرزا اسماعیل حیرت. تهران: فرهنگسرا یساولی.
- محلّاتی، حاج سیاح. ۱۳۵۹. خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف وحشت به کوشش سعید محلّاتی. تصحیح سیف‌الله گل‌کار. تهران: امیرکبیر.
- محمود میرزا، قاجار. ۱۳۸۹. تاریخ صاحبقرانی. حوادث سلسله قاجاریه (۱۱۹۰-۱۲۴۸) تصحیح نادره جلالی. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- محمود میرزا، قاجار. ۱۳۹۰. عهد حسام. سفرنامه لرستان و خوزستان ۱۲۴۵ هـ.ق. به کوشش ایرج افشار. تهران: میراث مکتوب.
- مروی، محمدکاظم. ۱۳۶۴. عالم‌آرای نادری تصحیح محمدامین ریاحی. تهران: زوار.
- مدرسی، یحیی، سامعی، حسین و صفوی مبرهن، زهرا. ۱۳۸۰. فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار، قشون و نظمیه. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰.
- مستوفی، عبدالله. ۱۳۸۶. شرح زندگانی من. ج ۱. چاپ پنجم. تهران: زوار، ۱۳۸۶.
- مفتون دنلی، عبدالرزاق. ۱۳۸۳. مآثر سلطانیه. تاریخ جنگ‌های اول ایران و روس به‌ضمیمه تاریخ جنگ‌های دوم از تاریخ ذوالقرنین. عبدالرزاق بیگ دنلی. تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری نژاد. تهران: روزنامه ایران.
- ملک‌المورخین، عبدالحسین خان. ۱۳۸۶. مرآت الوقایع مظفری. تصحیح عبدالحسین نوایی. چاپ اول. تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۶.
- موریه، جیمز جاستی نین. ۱۳۸۶. سفرنامه جیمز موریه. مترجم ابوالقاسم سری. تهران: طوس.
- میرزا رفیعا، محمد رفیع بن حسن. ۱۳۴۸. دستورالملوک. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: دانشگاه تهران. مجله دانشکده ادبیات، ۱۳۴۸.
- میرزا رفیعا، محمد رفیع بن حسن. ۱۳۸۵. دستورالملوک. تصحیح محمد اسماعیل مارچینکوفسکی. با مقدمه منصور صفت گل. ترجمه علی کردآبادی. تهران: وزارت امور خارجه.
- میرزا سمیعا. ۱۳۳۴. تذکره‌الملوک "سازمان اداری حکومت صفوی". مینورسکی. ترجمه مسعود رجب‌نیا. حواشی و فهرس محمد دبیر سیاقی. تهران: زوار و انجمن کتاب.
- ناصرالدین شاه، قاجار. ۱۳۸۴. روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه. از محرم تا شعبان ۱۳۰۶. تصحیح توضیحات عبدالحسین نوایی - الهام ملک‌زاده. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- ناصرالدین شاه، قاجار. ۱۳۶۷. روزنامه سفر گیلان. تصحیح منوچهر ستوده. گیلان: مؤسسه فرهنگی جهانگیری.
- ناصرالدین شاه، قاجار. ۱۳۵۴. سفرنامه خراسان. زیر نظر ایرج افشار. تهران: فرهنگ ایران‌زمین.
- ناصرالدین شاه، قاجار. ۱۳۸۱. سفرنامه ناصرالدین شاه به قم. به کوشش فاطمه قاضی‌ها. تهران: سازمان اسناد ملی ایران. پژوهشکده اسناد.

ناصرالدین شاه، قاجار. ۱۳۸۴. سفرنامه ناصرالدین شاه به مازندران. تصحیح هارون وهومن. تهران: پانید.
نامی، محمدصادق. ۱۳۶۳. تاریخ گیتی گشا با دو ذیل تألیف میرزا عبدالکریم بن علی رضا الشریف و آقا
محمدرضای شیرازی. با مقدمه سعید نفیسی.. چاپ دوم. تهران: اقبال.
نظام السلطنه مافی، حسقلی. ۱۳۸۶. خاطرات و اسناد حسقلی خان نظام السلطنه مافی. جلد ۱. به کوشش
معصومه مافی و منصوره اتحادیه نظام مافی. تهران: نشر تاریخ ایران.
نوایی، عبدالحسین. ۱۳۶۸. نادرشاه و بازماندگانش. چاپ اول. تهران: زرنیغ.
نوری، محمدتقی. ۱۳۸۴. اشرف التواریخ. وقایع مربوط به دوره حکومت محمدولی میرزا در خراسان.
تصحیح سوسن اصیلی.. تهران: میراث مکتوب.
ورهرام، غلامرضا. ۱۳۶۸. نظام حکومت ایران در دوران اسلامی (پژوهشی در تشکیلات اداری، کشوری و
لشکری ایران از عصر مغلو تا پایان قاجار). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
ورهرام، غلامرضا. ۱۳۸۵. نظام سیاسی و سازمانهای اجتماعی ایران در عصر قاجار. تهران: معین، ۱۳۸۵.
وزیری کرمانی، احمدعلی. ۱۳۸۵. جغرافیای کرمان؛ به ضمیمه رساله دهات کرمان. وزیری کرمانی. تصحیح
محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: علم.
وزیری، احمدعلی خان. ۱۳۷۰. تاریخ کرمان. تصحیح و تحشیه. محمدابراهیم باستانی پاریزی. چاپ چهارم.
تهران: علمی.

اسناد

سازمان اسناد ملی. شماره بازیابی. ۷۸-۹۶.

سازمان اسناد ملی. شماره بازیابی. ۲۹۶/۱۲۹۶۲

سازمان اسناد ملی. شماره بازیابی. ۲۹۶/۱۶۱۸

سازمان اسناد ملی. شماره بازیابی. ۲۹۶/۱۶۷۰

سازمان اسناد ملی شماره بازیابی. ۲۹۶/۱۵۵۷

سازمان اسناد ملی. شماره بازیابی. ۲۹۶/۱۵۳

سازمان اسناد ملی. شماره بازیابی. ۲۴۰/۳۰۰۰۵